

امتیاز قوانین اسلام

مجله هفتگی **Radiance** «تابش» ناشر افکار مسلمانان هند چاپ‌دهلی تحت عنوان «انعطاف‌پذیری قوانین اسلام» بقلم آقای «طاهر محمود» لیسانس‌په حقوق، مقاله جهانی نشر داده که ترجمه آن شرح دیر از نظر خوانندگان میگذرد: سالها قبل از روی کار آمدن «تمدن جدید» خاصیت انعطاف‌پذیری و پاسخگوئی به احتیاجات زمان، در میادی و رشته‌های حقوق الهی اسلام موجود بوده است. رفته رفته اسلامی میتواند ادعا کند که مترقی‌ترین حقوقی است که احتیاجات اجتماعی و قضائی عصر حاضر را تأمین مینماید.

این ادعا نه مبتنی بر رؤیای شاعرانه است و نه بر اساس تعصب مذهبی بلکه متکی بر قواعد مسلم تاریخی است، توضیح مطلب این است که شیوه‌های قضائی عمومی جهان که با مقتضیات عصر و زمان سازگار نبود دچار تغییر و تبدیل گردیده و سازمانهای حقوقی جهان کوشیده‌اند تا با نصابی نیازمندیهای جهان اصول حقوقی را با ضرورت‌های زمان تطبیق دهند - در صورتیکه مسائل حقوقی اسلامی دارای این امتیاز بوده است که عوامل تطبیق را با مقتضیات عصر - چه بطور اجمال و چه بطور تفصیل - در بر داشت است بطوریکه اگر مقرر شود شواهدی برای اینگونه تطبیقها ذکر شود - بیان مواد و اصول آن نیازمند به تألیف چند جلد کتاب خواهد شد.

اعتراف مجلس شورای سلطنتی

اصل «شععه» یکی از شعرات معروف حقوقی اسلام بوده است. پیغمبر اسلام (ص) در هزار و چهارصد سال قبل حق شععه را در مورد اموال غیر منقول مقرر فرمود است و اینک پس از گذشتن چندین قرن با عصر جدید این «اصل نفیس» را تدریجاً برسمیت می‌نهند.

«سرجاناج» رئیس شورای سلطنتی انگلستان با تکیه بر مسلم قضائی - و حقوقی این سرزمین، اعلام نمود که:

«حق شععه هر جا مورد پیدا کرد براساسی حقیقی است ارزشمند» (۱)

این اصل و این عقیده در نظامات و مقررات راجد ولایات هندوستان نفوذ کرد تا این معنی که بنام هندوهای ساکن «ریوا» و «برار» و «بنجاب» این اصل را پذیرفتند و

۱- مراجعه شود به نوشته دگالبرسکه و احمد سعید نشریه سال ۱۹۱۴ صفحه ۱۱

بسی اکثر هندوها باین دستور عمل کردند و اخیراً قانون وراثت که در سال ۱۹۵۶ برای هندوها وضع شده، حق نفقدا در اموال غیر منقول در باره وراثت «هندو» رسمیت شناخته است.

قانون شرکت در اموال نسلیهای آینده!

قانون دیگری راجع به شرکت در اموال نسلیهای بعد وجود دارد که هندوها به آن عمل میکنند و این چنین قانونی در اسلام سابقه ندارد که اگر المثل پدر یا پدر بزرگ شخص است که فرزندان او مالک چیزی شد در آن چیز سهم باشد بلکه تنها نفقه و طرح وراثت است و آن مبتنی بر آنست که نسلیهای بعدی وراثت نسلیهای گذشته پس از فوت آنها میشود توضیح اینکه مطابق قانون اسلام هر مسلمانی که دارای مالی باشد حقوق مالکیت او محترم شمرده میشود و بطور اطلاق حق دارد هر نوع استفادهای از حقوق مالکیت بنماید. برخلاف قانون اسلام علمای حقوق هندو، قانونی وضع کردند که هر کس که مالک چیزی بود و بخواهد در اموال خود پس از پدر بزرگ در وراثت اشتراکی او سهم میشود. این اصل حقوقی طلایی در اجتماع هند که اصل مهمی تلقی می شد، در نتیجه از اهمیت آن کاسته شده است و قانون جدید هندوها این اصل شرکت را نسخ کرد، و اصل ثابت طبیعی (مطابق قانون اسلام) جانشین آن اصل معمول قرار گرفت.

محدودیت تعدد زوجات.

قبل از ظهور اسلام چه در غرب و چه در شرق برای محدودیت زوجات قاعده و قانونی وجود نداشت و مطابق سببهای حقوقی مختلف در بعضی تعداد نامحدود زوجات معمول و رایج بود. نه در مقررات حقوقی غرب و نه در نظامات حقوقی شرق قاره هند محدودیتی برای تعدد زوجات ذکر نشده بود و همچنین قاعده و قانونی وجود نداشت که مرد بر اساس عدالت میان چند همسر - چگونه رفتار کند. بطوریکه تاریخ به ما نشان میدهد برای اولین بار - قرآن کریم - موضوع تعدد زوجات را تحت نظر و قاعده درآورد و حداکثر تعدد زوجات را منحصر در چهار زن فرزند با اینکار در مسئله اکتفا میکرد، توصیه و تاکید شد، باین معنی که اگر مرد نتواند در میان زنهای متعدد کمال عدالت را برقرار کند - باید به یک زن اکتفا کند؟ (مراجعه شود به قرآن کریم سوره ۴ آیه ۳)

آری هیچ قانونی که پایه و سنای الهی داشته باشد در این باره محدودیتی قائل نشده بود فقط قوانین وضع شده بشری غرب بود که در آخرین مراحل برای تعدد زوجات نظمی قائل شد در هندوستان حق داشتن زنان متعدد که بوسیله شسترها وضع شده بود اجازت میداد که مرد هر چند زنی را که بخواهد میتواند بگیرد و این قانون در سال ۱۹۵۵ منسوخ شد.

بالبردن مقام زن

اسلام برای زن در موضوعات مربوط به وراثت و حقوق مربوط به شخصیت زن مقرراتی وضع کرده و در مسئله ازدواج او را مستقل شناخته است. سایر مذاهب خبیثه فسرندی زن را از هر جهت در شخصیت مرد مستهکم دانسته اند در سیستم های حقوقی سایر مذاهب، برای زنان حق مالکیتی در نارائی شان قائل نشده اند - جز اینکه زن فقط بمقدار احتیاجات زندگی حق استفاده از مال خود دارد و پس، و در مسئله زناشویی صدای زن بیجانی نمیرسد و هیچوجه در هیچ شرایطی نمیتواند از شوهر جدا شود و اگر جدا شود هیچگونه حقی باو تعلق نمیکرد مگر اینکه اجابت مورد ترحم انعام و بستگانش قرار گیرد. قانونگذار اسلام برای زنان حق وراثت قائل شده و حقوق وراثتی او منوط بدرجه خویشاوندی با مرد - باین متولی است.

در اسلام حق انتخاب همسر بزن داده شده و تنها حقی که برای ولی زن منظور شده تصویب و تأیید اوست و در موارد استثنائیکه امکان زندگی بین زن و شوهر وجود داشته باشد حق قبیح به زن داده شده است (۱).

حجاب از زن و حقوق زن.

برای زن مهریه ای در اسلام مقرر شده «بمنوان مهر معین» که اگر بپوشد بارشته زناشویی گسیخته گردید، بتواند با آن زندگی کند. کلبه حقوقی را که اسلام برای زن مقرر داشته - فقط همین اواخر در کشور های غرب بنحوی از اجزاء برای زن قائل شده اند. هندوستان پس از تحصیل استقلال، این حقوق را برای زن ساخت. قانون هندوها که سال ۱۹۵۵ وضع شد نظیر چنین حقوقی را برای زنهای «هندو» و «سینک» و «بودائی» و «جینی» قائل شد در صورتیکه حق طلاق گرفتن، برای زن موطن برآی محکمه است آن هم در صورتیکه مجوز طبی داشته باشند نیز همین قانون اجازه میدهد که در صورتیکه زن مستحق طلاق باشد نفقه مبینی برای او تعیین شود.

قانون اسلام برای زن مطلقه مدتی را بعنوان عده مقرر داشته که اگر احیاناً زن حامله باشد مثلاً «پدر فرزندی» مشخص باشد.

این نکته قابل توجه است که اگر در شرایط خاصی اجازه طلاق داده شد - همان قانون سال ۱۹۵۵ محدودیتهای دیگری را قائل میشود - تا اینکه از طلاق منصرف شوند و اگر طلاق غیر قابل اجتناب باشد - طلاق صورت گیرد. باید یادآور شویم.

بند ۱ از صفحه ۶۱

۱ - در مذهب شیعه در موارد مخصوص حاکم شرع می تواند مرد را محصور بطلاق نماید و باطلاق اجاری سازد.



از دود و گرد و خاک و رطوبت در هوای جو: دود و گرد و خاک و رطوبت عواملی هستند که جلو اشعه ماوراء بنفش را می گیرند و در نتیجه از اثر ویتامین «د» آن میکاهند. این عوامل در بسیاری از شهرها حتی جلو نور مرئی خورشید را نیز میگیرند. بطوریکه در اغلب شهرهای مهم و صنعتی جهان با مقایسه با حومه نزدیک آن شهر در حدود ۲۰ درصد از نور خورشید کم میشود و از نور ماوراء بنفش حتی تا ۵۰ درصد هم کم میگردد.

اینها آوری کرد که اثر حیات بخش خورشید منحصرأ در پرتو ماوراء بنفش نیست بلکه انواع دیگر آن نیز در تغذیه و جذب مواد غذایی بی نهایت موثرند و حتی مقاومت موجودات را در مقابل امراض زیادتر میکنند. به تجربه ثابت شده است چنانچه کودکان در معرض هوای تازه مشرف با آفتاب زندگی کنند، سوخت و ساز بدن ایشان زیادتر شده و مقاومتشان در برابر بیماریها افزون میگردد.

اسراف در استفاده از نور مستقیم خورشید مانند کلیه اسرافها زیان آور است، باید از این منبع قیاس بقدری استفاده نمود که بدن دچار ناراحتی نگردد.

بخش صفحه ۵۷

که مسئله طلاق را که بعبیر اسلام (س) در قرن هفتم میلادی تجویز فرمود - در عین حال بطور وسیع اعلام فرمود که این امر «مغوض» ترین حلالها است، یعنی بشورترین و مغضوبترین چیزهای مجال و صاحب - همانا طلاق است.

مهم بی نظیر

یکی از مهمترین ادعاهای قانونگذار اسلام که اصطلاح قضائی «جاوید» است، مسئله «وقف» و «امانت» است، و بعبیر اسلام بود که این قانون مهم را وضع نمود و این قانون موقعی وضع شد که یکی از اصحاب ثروتمندش درباره اموال غیر منقولش با حضرت مشورت کرد و حضرت بعنوان «تجسس الاحمال و تسبیل الشراء» قانونی را وضع فرمود که بموجب آن اصل ملک غیر منقول حیس میشود، و ثمره و محصول آن صرف حواری معینی میگردد. عرب این قانون را پس از مدتها بشیرت و نام آنرا «امانت» گذاشت و این قانون از دوره تسلط انگلستان بر هندوستان در آنجا یادگار مانده است.

باید برسد: چه قانونی مترقی تر از این اصولی که در دست است پیدا میشود که با وجود همه غرض ورزها و تعصانکه از هر جهت برضد آن تکرار بفرقه نواسته باشد در رسم های قانونگذاری جدید نفوذ و سرایت کند؟

هیچ قدرتی نمیتواند منکر شود و روی این حقیقت مسلم تاریخی را بیوشاند که: آنچه را قانونگذار اسلام در قرن ششم هجری اندیشه جهان امروز به بدین فتن آن برداشته و سر تسلیم فرود آورده است.